

دسته دوم: روایاتی که از بیع یا ثمن بیع نهی کرده اند.

۱. روایت مستطرفات سرائر:

«قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ تَكُونُ لَهُ الْغَنَمُ يَقْطَعُ مِنَ الْيَاتِيهَا- وَ هِيَ أَحْبَاءٌ أَوْ يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَنْتَفِعَ بِمَا قَطَعَ- قَالَ نَعَمْ يُدْبِيهَا وَ يُسْرِجُ بِهَا وَ لَا يَأْكُلُهَا وَ لَا يَبِيعُهَا.

وَ رَوَاهُ الْحَمِيرِيُّ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ.»<sup>۱</sup>

سند حدیث:

درباره سند حدیث سابقاً بحث کردیم.

۲. «عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَاشِيَةِ تَكُونُ لِلرَّجُلِ فَيَمُوتُ بَعْضُهَا- يَصْلُحُ لَهُ بَيْعُ جُلُودِهَا وَ دِبَاغِهَا وَ لُبْسُهَا- قَالَ لَا وَ لَوْ لَبِسَهَا فَلَا يُصَلُّ فِيهَا.»<sup>۲</sup>

ترجمه روایت:

«از امام کاظم علیه السلام پرسیدم درباره چهارپایانی که برای مردی است و بعضی از آنها می میرند. آیا می تواند پوست آنها را بفروشد و دباغی کند و بپوشد؟ فرمود: نه اگر هم پوشید، نماز در آن نخواند.»

سند حدیث:

درباره سند کتاب علی بن جعفر قبلاً بحث کردیم و گفتیم برخی از بزرگان روایاتی که از کتاب علی بن جعفر در قرب الاسناد آمده است را پذیرفته اند. ایشان نفس نقل حمیری، یا دلیلی است برای توثیق عبد الله بن حسن و یا اساساً وابسته به عبدالله بن حسن نمی باشد. مرحوم خوئی نیز این روایت را موثقه دانسته است.<sup>۳</sup> درباره این روایت گفته شده است:

«فَإِنَّ الظَّاهِرَ أَنَّ الْمَنْعَ فِيهَا رَاجِعٌ إِلَى الْبَيْعِ وَ اللَّبْسِ، وَ لَكِنَّهُ «ع» بَيْنَ الْمَانِعِيَةِ عَنِ الصَّلَاةِ زَائِدًا عَلَى الْمَنْعِ فِي نَفْسِهِ.»

۴

۳. «رَوَيْنَا عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنْ بَيْعِ الْأَخْرَارِ وَ عَنْ بَيْعِ الْأَمِيَّةِ وَ

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۱۷، ص: ۹۸ / السرائر، ج ۳ ص ۵۷۳

۲. وسائل الشیعة؛ ج ۱۷، ص: ۹۶

۳. مصباح الفقاهة (المکاسب)؛ ج ۱، ص: ۷۰

۴. مصباح الفقاهة (المکاسب)؛ ج ۱، ص: ۶۹

الدَّمِ وَالْخِنْزِيرِ وَالْأَصْنَامِ وَعَنْ عَسْبِ الْفَحْلِ وَعَنْ ثَمَنِ الْخَمْرِ وَعَنْ بَيْعِ الْعُدْرَةِ وَقَالَ هِيَ مَيْتَةٌ.<sup>١</sup>

سند حدیث:

این حدیث از کتاب دعائم الاسلام است که گفتیم مربوط به قاضی نعمان است و وی اسماعیلی بوده است.

ضمن اینکه این روایت به صراحت به مرسله بودن - با تعبیر روینا - اشاره دارد.

۴. روایت جابر بن عبدالله:

«فی سنن أبی داود بإسنادہ عن جابر بن عبد اللہ أنه سمع رسول اللہ «ص» يقول عام الفتح و هو بمكة: «إنَّ الله

حرمَّ بيع الخمر و الميتة و الخنزير و الأصنام.» فقيل: يا رسول الله، أ رأيت شحوم الميتة فإنه يطلى بها السفن و

يدهن بها الجلود و يستصبح بها الناس؟

فقال: «لا، هو حرام.» ثم قال رسول الله «ص» عند ذلك: «قاتل الله اليهود لما حرم عليهم شحومها أجملوه ثم باعوه

فأكلوا ثمنه.» و بإسناد آخر عن جابر نحوه و لم يقل: «هو حرام.»<sup>٢</sup>

توضیح:

۱- آنچه در روایت آمده یا سُنُّن جمع سفینه است به معنای کشتی ها؛ و یا سَفَن است به معنای پوستی خشن

که روی غلاف شمشیر قرار می داده اند.

۲- اجملوه‌ها، یعنی ذوب کردند و روغن آن را گرفتند [لسان العرب]

۳- درباره این روایت گفته شده است:

«الظاهر أنَّ الرواية أظهر رواية في حرمة جميع الانتفاعات، و هي المرجع لفقهاء السنة في تحريم بيع جميع

النجاسات بضميمة ما ورد في الكلب، ففاسوا على ما ذكر فيهما سائر النجاسات، كما مرَّ عن أبی إسحاق الشيرازی

في المهذب، فراجع.»<sup>٣</sup>

نکته:

در روایت بزنی و روایت علی بن جعفر، تعبیری که به کار رفته است «یصلح» است. البته در روایت بزنی

جواب امام (ع)، نعم می باشد و لذا دال بر جواز است ولی در روایت علی بن جعفر فراز روایت چنین است:

«أ يصلح له بيع جلودها و دباغها و لبسها؟ قال: لا و لو لبسها فلا یصلی فیها»

در این باره ممکن است به ذهن خطور کند که «لا یصلح» - که از جواب حضرت استفاده می شود - دال بر

۱. دعائم الإسلام؛ ج ۲، ص: ۱۸ / مستدرک، ج ۲ ص ۴۲۷

۲. سنن أبی داود ۲، ص ۲۵۰-۲۵۱، کتاب الإجارة، باب فی ثمن الخمر و الميتة.

۳. دراسات فی مکاسب المحرمة؛ ج ۱، ص: ۳۴۴

حرمت نیست بلکه صرف عدم صلاحیت را می رساند و این مفهوم اعم از حرمت است.

به همین جهت برخی از بزرگان در ذیل روایت علی بن جعفر نوشته اند:

«بناء علی ظهور عدم الصلاح فی الحرمة.»<sup>۱</sup>

در توضیح لازم است بگوییم: ظهور «عدم الصلاح» در حرمت است اگرچه گاه این تعبیر در موارد غیر الزامی هم به کار رفته است. ولی صرف استعمال در موارد غیر الزامی دلیل بر عدم ظهور در حرمت نمی شود چراکه امر و نهی هم گاه در عدم الزام استعمال می شوند تا جائیکه استعمال امر در استحباب را مجاز مشهور بر شمرده اند.

برای تتمیم بحث، بی مناسبت نیست که به مواردی از استعمال این واژه عنایت کنیم:

✚ مواردی که لا یصلح در معنای غیر حرام به کار رفته است:

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «لَا يَصْلُحُ الصَّيْحَانُ عَلَى الْمَيْتِ وَلَا يَنْبَغِي، وَ لَكِنَّ النَّاسَ لَا يَعْرِفُونَهُ، وَالصَّبْرُ خَيْرٌ.»<sup>۲</sup>

۲. «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَا يَصْلُحُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَبِيعَ بِصَاعٍ غَيْرِ صَاعِ الْمِصْرِ.»<sup>۳</sup>

✚ مواردی که این تعبیر در معنای حرام به کار رفته است:

۱. «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ ع قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَأْكُلُ مِنْ مَالٍ وَكَدِهِ قَالَ لَا إِلَّا أَنْ يُضْطَرَّ إِلَيْهِ فَيَأْكُلُ مِنْهُ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا يَصْلُحُ لِلْوَكْدِ أَنْ يَأْخُذَ مِنْ مَالِ وَالِدِهِ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَأْذَنَ وَالِدُهُ.»<sup>۴</sup>

۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ: «إِنْ لَبَسْتَ ثَوْبًا فِي إِخْرَامِكَ لَا يَصْلُحُ لَكَ لُبْسُهُ، فَلَبَّ وَأَعِدْ غُسْلَكَ.»<sup>۵</sup>

۳. «فَقَالَ لَا تَبْتَعْ حُرًّا فَإِنَّهُ لَا يَصْلُحُ لَكَ وَلَا مِنْ أَهْلِ الذِّمَّةِ.»<sup>۶</sup>

۴. «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جَرَّاحٍ

۱. دراسات فی مکاسب المحرمة؛ ج ۱، ص: ۳۴۳

۲. الکافی (ط - دار الحدیث)؛ ج ۵، ص: ۵۵۹

۳. الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۵، ص: ۱۸۴

۴. الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۵، ص: ۱۳۵

۵. الکافی (ط - دار الحدیث)؛ ج ۸، ص: ۴۱۵

۶. الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۵، ص: ۲۱۰



الْمَدَائِنِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ لَا يَصْلُحُ شِرَاءُ السَّرْقَةِ وَالْخِيَانَةِ إِذَا عُرِفَتْ»<sup>۱</sup>

۵. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «لَا يَصْلُحُ شِرَاءُ السَّرْقَةِ وَالْخِيَانَةِ إِذَا عُرِفَتْ»<sup>۲</sup>

اما نکته حائز اهمیت آن است که در کتاب علی بن جعفر، بیش از ۳۵۰ مورد از واژه يصلح و لا يصلح استفاده شده است که گاه در سوال است و گاه در جواب. البته در موارد زیادی هم امام در پاسخ می فرماید: لا بأس. ظاهراً متعارف از نوع کلام - به قرینه های موردی و قرینه نوع ادبیات سائل - در تمام این موارد سوال از حلیت و حرمت است.

۱. الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۵، ص: ۲۲۸

۲. الکافی (ط - دار الحديث)؛ ج ۱۰، ص: ۲۶۷